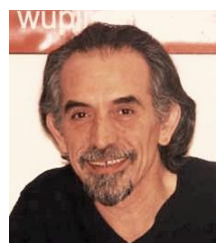




"آیا انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟"

صفحه 3

گفتگو با آذر ماجدی



جنبشهای اجتماعی و مسئله آزادی زن کمونیسم کارگری و مسئله زن

بخش سوم

صفحه 7

سیاوش دانشور

به کمپین دفاع از قربانیان محیط کار
و وادار کردن شرکتها و کارفرمایان به
رعایت استانداردهای محیط کار بپیوندید!

تلویزیون آزادی زن

هر یکشنبه ساعت 17.30 بوقت تهران از شبکه هات برد

مگاهرتز: 11642 سیمبل ریت: 27500

کانال: KMTV

به دوستانتان اطلاع دهید!

ستون اول،

مرگ بس است!

قتل عام کارگران در صنعت پوشاک را متوقف کنیم!

در روز چهارشنبه ۲۴ آوریل در بنگلادش، فاجعه فرو ریختن یک ساختمان ۸ طبقه که ۴ کارخانه پوشاک را در خود جا داده بود به مرگ بیش از ۳۷۰ نفر، ناپدید شدن ۹۰۰ نفر و مجروح شدن صدها نفر انجامید. این فاجعه بروشنی حرص و ولع پایان ناپذیر سرمایه داران بومی و شرکت های چند ملیتی چون پرایمارک، ماتالان، مانگو، بنه تون، سی اند ای، جی سی پنی، والمارت، مارکس اند اسپنسر، جرج و امثالهم را بنمایش می گذارد.

کمتر از ۶ ماه پیش یک آتش سوزی در کارخانه پوشاک "تزرین فشن" در بنگلادش بیش از ۱۲۰ نفر را به کام مرگ کشاند و پیش از آن در ۱۱ سپتامبر، آتش سوزی دیگری موجب مرگ ۳۰۰ نفر در یک کارخانه پوشاک در پاکستان شد. خطر آتش سوزی و فرو ریختن ساختمان کارخانه ها امری عادی در صنعت پوشاک است. از سال ۲۰۰۵ تا این آخرین فاجعه، بیش از ۱۰۰۰ کارگر در صنعت پوشاک فقط در بنگلادش جان باختند.

شرایط کار ناامن، غیر بهداشتی، سخت و طاقت فرسا موجب مرگ و بیماری های شدید بسیاری از کارگران می شود. بسیاری از کارگران بخاطر وجود پرز پنبه در هوا به بیماری سل مبتلا شده اند. دستمزدهای بسیار پایین، ساعات طولانی کار بدون استراحت، آزار دائمی کارگران توسط سرپرستان یک شرایط شبه برده داری برای میلیون ها نفر در کشورهای چون بنگلادش، پاکستان، هند، ویتنام و چین ایجاد کرده است. اکثریت این کارگران زنانی هستند که از روستاها برای کار در این صنایع مهاجرت کرده اند.

استثمار کودکان یک پدیده عادی

صفحه 2

آزادی زن معیار آزادی هر جامعه است!



مرگ پس است!

قتل عام کارگران در صنعت پوشاک را متوقف کنیم ...

در این صنایع است. طبق قانون تشکیل اتحادیه های کارگری و سازماندهی و تشکل کارگران برای دفاع از حقوقشان ممنوع است. این واقعیت که کارگران صنعت پوشاک از محرومترین بخش جامعه هستند و بعلت سنن و حاکمیت ایدئولوژی زن ستیز در جامعه، سرکوب شده و مطیعند، آنها را به یک نیروی کار باارزش برای شرکتهای حریص بدل می کند؛ یک نیروی کاری بسیار ارزان و خاموش.

این وظیفه ماست که به این شرایط وحشیانه پایان دهیم. ما باید قتل عام کارگران در محیط کار را متوقف کنیم. ما باید شرایط کار و زیست شایسته، انسانی و با حرمت برای میلیون ها انسان بوجود آوریم. سازمان آزادی زن همه سازمانها و افراد پیشرو، انساندوست و آزادیخواه را به حمایت از و پیوستن به این کمپین فرا میخواند. برای دفاع از حرمت کارگران و تامین یک شرایط انسانی در صنعت پوشاک در سراسر جهان متحدانه بکوشیم.

کمپین ما بر ایمنی محیط کار، تامین یک حداقل دستمزد مناسب و شایسته، حق سازماندهی و تشکل، روزکار کوتاه تر و تحت فشار گذاشتن شرکتهای چند ملیتی برای رعایت این شرایط، متمرکز خواهد بود. اول ماه مه ۲۰۱۳ را روز دفاع از کارگران صنعت پوشاک بنامیم.

اطلاعات بیشتر در مورد این کمپین در اطلاعیه بعدی منتشر خواهد شد.

زنده باد همبستگی کارگری!
زنده باد یک دنیای بهتر!

سازمان آزادی زن
۱ مه ۲۰۱۳

تماس:

آذر ماجدی majedi.azar@gmail.com
هما ارجمند homawpi@sympatico.ca

به کمپین دفاع از قربانیان محیط کار و وادار کردن شرکتهای و کارفرمایان به رعایت استانداردهای محیط کار پیوندید!

برابری کامل و بیقید و شرط زن و مرد!



"آیا انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟"

گفتگو با آنر ماجدی

بنظر من تمام دنیا از دیدن این تصاویر و از دیدن این زنان شجاع که این چنین در پیشاپیش صف برای آزادی و برابری حرکت میکنند، به هیجان آمده است. زنان در ایران حس احترام و افتخار را در میان تمام آزادیخواهان برانگیخته اند. این زنان مایه افتخار اند.

برای یک دنیای بهتر: ارزیابی شما از نقش و جایگاه زنان در تحولات حاضر و آتی جامعه کدام است؟ آیا آنطور که منصور حکمت میگفت: "انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟"

آنر ماجدی: همانطور که در بالا اشاره کردم برای من تحرک زنان در چنین شرایطی کاملاً قابل انتظار و پیش بینی بود. اگر غیر از این میبود، باید متعجب میشدیم. جنبش آزادی زن یکی از مهمترین جنبش های اجتماعی ضد رژیم اسلامی است. این جنبش نه میخواهد و نه میتواند با این رژیم و ایدئولوژی زن ستیز آن سر سازش و آشتی داشته باشد. سی سال سرکوب و بیحقوقی، سی سال تحمیل یک نظام آپارتاید جنسی و حجاب اجباری، سی سال ضد و خورد و کشمشکش دائم میان جنبش آزادی زن و رژیم اسلامی به این جنبش جایگاه ویژه ای داده است.

خواست برابری زن و مرد یک مطالبه محوری جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران است. این مطالبه به جنبش مردم ایران برای سرنگونی رنگ و بویی متفاوت می بخشد. این تفاوت را میتوانیم در مقایسه این جنبش با جنبش مردم علیه رژیم سلطنت دریابیم. این هر دو جنبش علیه سرکوب و دیکتاتوری و برای آزادی، رفاه، عدالت

این گفتگوی نشریه "برای یک دنیای بهتر" با آنر ماجدی در تیر ماه ۱۳۸۸ است. این گفتگو به نقش تعیین کننده جنبش آزادی زن در تحولات سیاسی در ایران می پردازد و جایگاه آنرا مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد. در شرایط حاضر و با توجه به نقش مهم جنبش آزادی زن چاپ این تحلیل را برای خوانندگان نشریه "آزادی زن" مفید و مناسب دانستیم.

برای یک دنیای بهتر: یک ویژگی خبزش اخیر توده های مردم نقش و حضور زنان در این غلیان اجتماعی است. چه احساسی دارید؟

آنر ماجدی: اتفاقات اخیر در ایران و جنبش و خبزش توده ای مردم شور انگیز و هیجان انگیز است. من شک نداشتم که زنان در هر حرکت ضد جمهوری اسلامی در پیشاپیش صف حرکت خواهند کرد. در دهه اخیر همیشه این چنین بوده است. جنبش آزادی زن در ایران یک جنبش وسیع و توده ای است. این واقعیت به زنان و مطالبه آزادی زن در جنبش توده ای علیه رژیم اسلامی جایگاه ویژه ای می بخشد. زنان در حرکات اعتراضی دو سه هفته اخیر، چه پیش از رای گیری و چه پس از آن فعالانه شرکت کرده اند. دیدن زنان جوانی که شجاعانه در مقابل مزدوران بسیج و پاسدار مقاومت میکنند و به آنها حمله میکنند بسیار شورانگیز است. یک ویدئو کلیپ دختر جوانی را نشان میدهد که بسمت چند بسیجی میدود و به یکی از آنها دو لگد میزند. بسیجی ها او را دنبال میکنند و با باتوم به جان او میافتند. اما این دختر به راه خود ادامه میدهد. دیدن چنین تصویری از شجاعت و استقامت واقعا هیجان انگیز است.

و یک جامعه انسانی تر است. اما یک علتی که غرب و دستگاه مهندسی فکری آن موفق شد جنبش اسلامی را به جنبش ضد سلطنت تحمیل کند، وجود شرق زدگی عمیق حاکم بر جریانات چپ و روشنفکران جامعه ایران در آن دوره بود. یکی از مولفه های شرق زدگی، عقب ماندگی و زن ستیزی است. علیرغم شرکت فعال زنان در جنبش ضد شاه، بعلت وجود این عقب ماندگی فکری - فرهنگی، زنان بعضا داوطلبانه حجاب را بعنوان یک سمبل وحدت طلبی، در دوره اعتراضات ضد شاه بر سر کردند. در اعتراضات اولیه علیه حجاب، بخش عمده جریانات چپ شرکت نکردند. جنبش حق زن در ابتدای حیات رژیم اسلامی نتوانست آنطور که باید ابعاد توده ای پیدا کند.

اکنون اما شرایط متفاوت است. بیش از یک دهه است که جنبش آزادی زن وسیعا در جامعه فعال است و بطور روزافزونی گسترده و توده ای شده است. مساله زن مایه سر درد رژیم اسلامی و اپوزیسیون اسلامی آن، جریاناتی مانند مجاهدین، شده است. از همان روز اول اسلامیت ها و در راس آن خمینی، که در سال 1342 بخاطر دادن حق رای به زنان علیه رژیم شاه شورش کردند، مجبور شدند زنان را بعنوان یک نیروی مهم جدی بگیرند. از همان ابتدا رژیم دائما مشغول اتخاذ ضد تاکتیک علیه جنبش حقوق زن در ایران و در سطح بین المللی بوده است.

دو قطبی رژیم اسلامی و آزادی زن برای مردم ایران و تمام

صفحه 4

برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده!

برابری اجتماعی و واقعی زنان را تامین و تضمین میکند. به میزانی که کمونیسم کارگری در جامعه قدرت گیرد، به همان میزان دستیابی به این مطالبات عملی تر و امکانپذیر تر خواهد بود.

البته پس از رژیم اسلامی، دیگر هیچ نظامی قادر نخواهد بود آپارتاید جنسی و چنین تبعیض و بیحقوقی را به زنان و جامعه تحمیل کند. زنان تحت رژیم اسلامی نیز یک توازن قوای دیگر را به رژیم تحمیل کرده اند. موقعیت دفاکتوی زنان با موقعیت حقوقی و رسمی آنها کاملاً در تناقض است. این فی الحال یکی از دستاوردهای مهم جنبش آزادی زن است. اما تامین و تضمین آزادی کامل و بی قید و شرط و برابری واقعی زن و مرد تنها در جامعه ای که بردگی مزدی و طبقاتی محو شده باشد، قابل تحقق است.

در شرایط حاضر بعلت وجود اختناق وسیع، سازمان های آزادیخواه و رادیکال زنان اجازه فعالیت در ایران ندارند. تنها زنان باصطلاح اصلاحگرا از امکان یک فعالیت نسبی برخوردارند. از این رو است که زهرا رهنورد به یکی از شخصیت های مدافع حقوق زن بدل میشود. اما باید این شرایط را تغییر داد. به درجه ای که تغییر توازن قوا امکان فعالیت را برای سازمان های رادیکال و آزادیخواه زنان در ایران امکان پذیر میکند، موقعیت جنبش آزادی زن تغییر خواهد کرد. باید کوشید رهبری جریانات آزادیخواه، برابری طلب و ماکزیمالیست، مانند سازمان آزادی زن را بر جنبش حق زن تامین کرد. این یکی از شروط لازم موفقیت جنبش آزادی زن در ایران است.

برای یک دنیای بهتر: این تحولات تا هم اکنون سیمای جامعه ایران و نقش و جایگاه زنان در آن را نزد جامعه جهانی دگرگون کرده است. دختر جوانی در گفتگو با سی ان ان اظهار میداشت: من اکنون دختر دیگری شده ام. نگاه جامعه و مردان به ما عوض شده است؟ شما چه فکر میکنید؟ چشم انداز این تحولات در ایران و منطقه چیست؟

آنر ماجدی: تحولات اجتماعی، از نوع آنچه ما در هفته های

صفحه 5

"آیا انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟" ...

آنست که برخی زنان چنین کرده اند. بعضی زنان نه تنها حجاب را بر گرفته اند، بلکه با لباس های کاملاً ضد اسلامی در خیابان ظاهر شده اند. به این زنان شجاع باید تبریک گفت و از زنان دیگر خواست از آنها پیروی کنند.

آپارتاید جنسی یک نظام بسیار عقب مانده و تبعیض گرا است. الغای آپارتاید جنسی باید در راس مطالبات هر انسان آزادیخواه و انسان دوست قرار گیرد. دنیا یک بار آپارتاید نژادی را به زانو درآورد، اکنون زمان آن رسیده است که آپارتاید جنسی را نیز سرنگون کند. این حرکت با شکوه و افتخار انگیز نصیب جنبش آزادی زن و مردم آزادیخواه ایران شده است. باید توجه داشت که سکولاریسم یک شرط مهم برقراری یک جامعه آزاد، آزادی بیان و اندیشه، و آزادی زن است. خواست یک نظام سکولار باید در راس مطالبات جنبش مردم برای آزادی و برابری قرار گیرد. لغو تمام قوانین مذهبی، مبارزه فعال با خرافات و سنن مذهبی یکی دیگر از اقدامات مهم جنبش آزادیخواه و برابری طلب است.

برای یک دنیای بهتر: چگونه میتوان تضمین کرد که در تحولات آتی مطالبات زنان به یک خواست عمومی و همه جانبه مردم و جامعه تبدیل شود؟ چه اقداماتی؟ چه تلاشهایی؟

آنر ماجدی: باید کوشید تا جریانات آزادیخواه و برابری طلب، بطور مشخص جنبش کمونیسم کارگری در جنبش مردم برای آزادی و برابری هژمونی و رهبری پیدا کند. تنها کمونیسم کارگری است که آزادی کامل و بدون قید و شرط زنان و کل جامعه و

کسانی که وقایع ایران را دنبال میکنند، یک معادله تعیین کننده است. آزادی زن در راس برنامه و مطالبات هر تحول آزادی بخش جدی در ایران نقش بسته است. آزادی زن و برابری جنسی یک وجه جدایی ناپذیر و مهمترین خواست جنبش مردم علیه رژیم اسلامی است. تصادفی نیست که دنیا، زن جوانی که در تظاهرات در تهران بدست مزدوران بسیجی کشته شد را بعنوان سمبل جنبش مردم برگزیده است. بنظر من این توصیف منصور حکمت از انقلاب آتی ایران، توصیفی بسیار گویا و خصلت نما از جنبش مردم علیه رژیم اسلامی است.

برای یک دنیای بهتر: شما در پیمای از زنان خواسته اید که حجابها را در اعتراضات به دور اندازند، آپارتاید جنسی را در هم بشکنند و سنتهای اسلامی را زیر پا بگذارند. برخی گرایشها، شما را به تند روی و زیاده خواهی متهم میکنند. پاسخ شما چیست؟

آنر ماجدی: چنین جریاناتی صرفاً عقب ماندگی و کم خواهی خود را به نمایش میگذارند. حجاب اسلامی نه تنها سمبل بردگی و بیحقوقی زن تحت اسلام، بلکه یک ابزار مهم در به انقیاد کشیدن زنان است. بعلاوه حجاب به بیرق جنبش ارتجاعی و ضد زن اسلام سیاسی بدل شده است. اسلامیست ها هر کجا که قدرت گرفته اند بر سر زنان و جامعه حجاب کشیده اند. دور انداختن حجاب نه تنها یک خواست عمیق زنان در ایران، بلکه یک حرکت مهم و سمبلیک اعتراضی علیه رژیم اسلامی و جنبش اسلامی است. دور انداختن حجاب نقش بسیار مهمی در گسترش جنبش توده ای مردم و تضعیف پایه های رژیم خواهد داشت. اکنون زمان آن رسیده است که مصرانه از زنان بخواهیم تا حجاب را بدور اندازند. اخباری که از ایران میرسد حاکی از

مزد برابر در ازاء کار مشابه برای زنان و مردان!

"آیا انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟" ...

سلطنتی نیز فعالانه شرکت داشتند. در تظاهرات و اعتراضات خیابانی نقش مهمی ایفاء کردند. در همان زمان نیز به این وجه از جنبش توده ای اشاره میشد. اما آنچه ما اکنون شاهد آن هستیم متفاوت است. در آن زمان زنان در جنبش عمومی علیه دیکتاتوری و استبداد و برای آزادی و رفاه شرکت داشتند. علیرغم آنکه سازمان های متعدد زنان در سال 57 شکل گرفت، خواست آزادی زن در آن جنبش برجسته نبود. جنبش عمومی آنچنان در خواست عمومی آزادیخواهی خود گپیچ و مبهم بود که زنان بسیاری بخاطر "جنبش عمومی" ضد شاه حجاب بر سر کردند. این حرکت ارتجاعی بعنوان یک فداکاری "انقلابی" تقدیس شد.

در شرایط کنونی خواست آزادی زن یکی از برجسته ترین مطالبات جنبش مردم است. جمهوری اسلامی یک نظام آپارتاید جنسی و ضد زن است. بیرق آن حجاب اسلامی و مشخصه آن زن ستیزی اسلامی است. حضور فعال و وسیع زنان در خیزش مردم به آن یک هویت عمیقاً ضد مردسالارانه و "زنانه" میدهد. این صرفاً یک خیزش عمومی علیه یک رژیم خشن و مستبد نیست. در عین حال یک جنبش وسیع و توده ای آزادی زن نیز هست. برای همه روشن و مسلم است که یکی از مطالبات اصلی این جنبش حقوق زن، لغو حجاب اجباری و خلاصی فرهنگی است. خلاصی فرهنگی نیز ناظر بر آزادی زن، لغو حجاب و آپارتاید جنسی است.

این جنبش را به تعبیری میتوان با جنبش وسیع و توده ای آزادی زن در دهه 60 و 70 میلادی در اروپا و آمریکا مقایسه کرد. جنبشی که تأثیرات بسیار عمیق در تغییر سیمای زن در جامعه داشت. جنبشی که به "انقلاب جنسی" معروف شد. جنبش آزادی زن در دهه 60 و 70 نیز تنها جنبش اجتماعی زمان خود نبود. جامعه در غرب در حال تلاطم و تغییرات عمیق بود. جنبش حقوق مدنی و ضد جنگ ویتنام در آمریکا، جنبش دانشجویی و چپ در اروپای غربی که یک نمونه برجسته آن شورش دانشجویی

ناپذیر است. قدرت یابی اسلام سیاسی در منطقه طی سی سال اخیر و بویژه در دهه اخیر، موقعیت زنان را در کل خاورمیانه و آفریقای شمالی بسیار به عقب کشانده است. سنت های اسلامی بسیار تقویت شده اند. در جوامعی که اسلامیست های قدرت یافته اند، حجاب اسلامی به زنان تحمیل شده است. بعضاً زنان جوانی در اعتراض به قطب تروریستی دولتی آمریکا - اسرائیل حجاب را بعنوان یک سمبل اعتراضی برگزیده اند. آپارتاید جنسی در بسیاری کشورهای منطقه تحکیم و تقویت شده است. جمهوری اسلامی یکی از مهره های اصلی حفظ و تقویت این جنبش ارتجاعی است. رهبر ایدئولوژیک یک بخش مهم آن و تامین کننده اصلی مالی آن است. پیروزی جنبش آزادی زن بر این رژیم، موقعیت این جنبش سیاه را در کل منطقه زیر و رو خواهد کرد و در نتیجه موقعیت زنان در کل منطقه متحول خواهد شد. جنبش حقوق زن در منطقه از جنبش آزادی زن درس های بسیاری میتواند بیاموزد. اثرات پیروزی مردم ایران بر رژیم اسلامی بسیار عمیق و گسترده خواهد بود.

"انقلاب ایران یک انقلاب زنانه است" (منصور حکمت)

گفتگو با آنر ماجدی

یک دنیای بهتر: حضور و نقش زنان در خیزش توده های مردم، جهان را به شگفت انداخته است. عنصر اصلی و خمیر مایه این نقش و جایگاه سیاسی از کجا مایه میگردد؟

آنر ماجدی: زنان در مبارزات 57-1356، در جنبش علیه دیکتاتوری

اخیر در ایران شاهد آن بوده ایم، نقش بسیار تعیین کننده ای در سست کردن ارزش ها، الگوها و مناسبات قدیمی و شکل دادن به الگوها و مناسبات جدید دارد. چنین تحولاتی میتواند در عرض مدتی کوتاه یک جامعه را باندازه سالها به عقب یا جلو ببرد. ما این واقعیت را یک بار سی سال پیش تجربه کردیم.

ایران اکنون در راس اخبار جهان قرار دارد. عکس ها و فیلم های تظاهرات و اعتراضات مردم در رسانه ها منتشر میشود. دنیا به حیرت افتاده است و با کنجکاوی و علاقه این وقایع را دنبال میکند. تمام تلاش سی ساله برای دادن یک تصویر اسلامی از جامعه و مردم ایران طی یک هفته ذوب شده است. اکنون جهانیان بر روی صفحه تلویزیون های خود چهره واقعی مردم ایران، بویژه نسل جوان را می بینند. انسان هایی مدرن که خواهان آزادی اند و مصراند صدای خود را به گوش جهان برسانند. استفاده جوانان در ایران از تکنولوژی مدرن، اینترنت و تکنولوژی وبلاگی دنیا را متحیر کرده است.

البته اکنون مدتی است که تصویر سنتی ای که از زنان در ایران ارائه میشد، در غرب بمصاف طلبدیده شده است. اما شرکت فعال زنان در اعتراضات، در حمله به مزدوران پاسدار و بسیجی، در نقش فعالی که در این دوره داشته اند، میخ محکمی بود به تابوت تمام تبلیغاتی که میکوشید زنان ایران را سنتی و اسلامی جلوه دهد. این دختر جوان که با سی ان ان مصاحبه کرده است، بسیار شیوا و زیبا این واقعیت را بیان کرده است. بنظر من این دوره نقش بسیار تعیین کننده ای در تغییر مناسبات جنسیتی در جامعه داشته است. جنبش آزادی زن یک سنگر مهم فتح کرده است و باید کوشید این دستاورد را تثبیت کرد.

نقش مهم جنبش آزادی زن در منطقه انکار

"آیا انقلاب آتی ایران یک انقلاب زنانه است؟" ...

خواست ما را تشکیل میدهد که بنوبه خود به مواد ریزتری ترجمه میشود. اما در هر مبارزه ای خواست هایی برجستگی بیشتر می یابند و بعنوان خواست های کلیدی آن جنبش طرح میشوند. بنظر ما نه به حجاب اسلامی، لغو حجاب اجباری، لغو آپارتاید جنسی و برقراری یک نظام سکولار در شرایط فعلی جامعه ایران آن مکان برجسته سیاسی را اشغال میکند.

مبارزه با یک رژیم اسلامی زن ستیز به مبارزه زنان برای آزادی ویژگی خود را می بخشد. بدیهی است که دستیابی به هر یکی از این خواست ها مستلزم سرنگونی جمهوری اسلامی است. این یک توهم محض است که کسی تصور کند میتوان یک رژیم اسلامی بدون حجاب ساخت. حجاب و آپارتاید جنسی دو رکن مهم این رژیم اند. مبارزه با این دو رکن پایه های این رژیم را سست میکند. از این رو است که جنبش آزادی زن در حال کشمکش دائم و جنگ و گریز همیشگی با جمهوری اسلامی است. از این رو است که جنبش آزادی زن این جایگاه بسیار مهم را در جنبش سرنگونی طلبانه مردم اشغال میکند. و این جایگاه مهم و تعیین کننده است که به انقلاب آتی ایران خصلتی زنانه می بخشد. *

**سازمان آزادی زن
میگوشد که سازمان
آزادی زن را در ایران
بسازد. سازمان آزادی
زن نماینده رادیکالیسم و
آزادخواهی جنبش
حقوق زن است. سازمان
آزادی زن و جنبش ما
بعنوان نماینده
رادیکالیسم این جنبش
شناخته شده است.**

از فعالیت های آن مطلعند. اخیرا رجوع به سایت سازمان آزادی زن از ایران افزایش چشمگیری یافته است.

سازمان آزادی زن میگوید که بر مبنای این سابقه و شناسایی سازمان آزادی زن را در ایران بسازد. سازمان آزادی زن نماینده رادیکالیسم و آزادخواهی جنبش حقوق زن است. سازمان آزادی زن و جنبش ما بعنوان نماینده رادیکالیسم این جنبش شناخته شده است. ما همواره از طرف ملی - اسلامی ها و جنبش ناسیونالیسم پرو غرب متهم به افراطی گری شده ایم. ما را متهم میکنند که جامعه ایران را نمیشناسیم. به اعتقادات مردم که به نظر آنها اسلام است، بی توجه ایم. میگویند باید بتدریج و گام به گام پیش رفت. ما بیش از یک دهه است که در مقابل این اتهامات و ادعاها ایستاده ایم و از آزادی بی قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی زن و مرد دفاع کرده ایم. علیه حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی جنگیده ایم. افکار عمومی جهانی را به ماهیت جنبش آزادی زن در ایران آشنا کرده ایم. ما با اتکاء به این سابقه مبارزاتی درخشان و آزادیخواهانه خواهیم کوشید سازمان آزادی زن را در دل این خیزش مردم بسازیم.

یک دنیای بهتر: مفاد اصلی و مطالباتی سازمان آزادی زن برای تحقق آزادی و برابری بی قید و شرط زن و مرد در جامعه کدام است؟

آذر ماجدی: روشن است که آزادی زن از هر گونه قید و بند مذهبی و قانونی مردسالارانه، برابری زن و مرد در کلیه عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و خانواده و لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز بر مبنای جنسیت کلیت

در مه 1968 در فرانسه است، موازی، در کنار و مخلوط با جنبش آزادی زن وجود داشت. اما آن دوره به یک تعبیر با جنبش آزادی زن تداعی میشود.

در ایران این خصلت حتی برجسته تر است. جنبش مردم برای به زیر کشیدن یک نظام تا استخوان زن ستیز به خیابان ها آمده است. زنان حکم بردگان مطلق این نظام را دارند. و امروز این بردگان شورش کرده اند. این سیمای جهانی رژیم اسلامی است. زنان با چنگ و دندان برای آزادی با این رژیم در حال جنگ اند. این خصلت خیزش مردم است که توجه، هیجان و تحسین همه را جلب کرده است.

یک دنیای بهتر: نقش زنان و دختران در این اعتراضات غیر قابل انکار است. اما جای تشکر زنان و ارگانهای اجتماعی پرچمدار آزادی و برابری زن و مرد خالی است. برای پر کردن این خلاء چه باید کرد؟ نقشه عمل و طرح سازمان آزادی زن در این زمینه چیست؟

آذر ماجدی: عدم وجود سازمان های رادیکال زنان مانند احزاب سیاسی اپوزیسیون یکی از کمبودهای مهم در جامعه ایران است. دیکتاتوری خشن هر نوع تلاش برای تحزب و سازمان سازی را بشدت سرکوب کرده است. این رژیم حتی جریانهای اصلاح طلب حقوق زن را نیز سرکوب کرده است. از این رو جنبش آزادی زن با یک کمبود جدی روبرو است. اما یک خصلت این دوره جامعه ایران پیوند عمیق میان داخل و خارج کشور است. بخشی از جنبش آزادی زن در خارج کشور بسیار فعال است. این فعالیت ها در داخل کشور منعکس میشود. دختران و زنان فعال از وجود این جنبش در خارج کشور مطلع اند. بجرئت میتوان گفت که فعالین جنبش زن در ایران سازمان آزادی زن را بخوبی می شناسند و

تبعیض بر اساس جنسیت یک منشا سود سرمایه است!



جنبش‌های اجتماعی و مسئله آزادی زن

کمونیسم کارگری و مسئله زن

بخش سوم

سیاوش دانشور

سیاسی و اقتصادی است.

ارتجاع اسلامی، جنبشی برای اعاده حق و آزادی و حرمت اجتماعی است. جریان‌های سیاسی و افقها و گرایش‌های اجتماعی اصلی جامعه تلاش دارند افق و چهارچوب‌های سیاسی خود را بر جنبش حقوق زن در ایران غالب کنند.

5- در جنبش حقوق زن گرایش‌ها و خط‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد. از گرایش‌های پرو حکومتی و رفرمیستی و ناسیونالیستی تا گرایش‌های رادیکال و سوسیالیستی. جنبش حقوق زن یک پدیده واحد سیاسی با افق واحد سیاسی نیست. جنبش آزادی زن نماینده گرایش رادیکال و برابری طلب، نماینده رفع و نفی بلافصل حاکمیت آپارتاید جنسی و حجاب در ایران، نماینده تمایلات ضد مذهبی و ضد شرق زدگی، و نماینده سکولاریسم و برابری طلبی سوسیالیستی زنان و مردان است. گرایش‌های دیگر در جنبش حقوق زن، مانند اصلاح طلبی اسلامی و یا نیمه سکولار نیمه مذهبی‌ها و ناسیونالیست‌ها، در یک مقیاس وسیع‌تر خود را در کمپ جنبش‌های ملی اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب پیدا میکنند.

تحقق اهداف جنبش آزادی زن با تحقق اهداف اردوی اجتماعی کمونیسم کارگری خوانائی دارد. کمونیسم کارگری تلاش دارد افقش را بر مبارزه برای برابری زن و مرد هژمونیک کند.

جایگاه جنبش آزادی زن برای کمونیسم کارگری

کمونیسم کارگری بنا به نگرش پایه‌ای‌اش که جنبشی برای نفی تبعیض و نابرابری در کل

صفحه 8

2- ستمکشی و فرودستی زن در سرمایه داری عموماً و در کشورهای اسلام زده خصوصاً، رابطه مستقیمی با اقتصاد و سیاست و قوانین و فرهنگ طبقات حاکم دارد. نابرابری زن و مرد و تبعیض براساس جنسیت یک رکن و یک گوشه نظامی است که اساساً بر نابرابری و تبعیض متکی است. در این نظام نابرابری زن و مرد به سلسله مراتب نابرابری خدمت میکند همانطور که آزادی نسبی زنان بلافاصله به قدرت و اتوریته دیگری برخورد میکند. حتی در کشورهایی که زنان توانسته‌اند بدرجه‌ای برابری حقوقی را بدست بیاورند، نه فقط مورد انواع ستم و تبعیض و بیحرمتی قرار میگیرند بلکه در قلمرو اقتصاد و لذا در نگرش مسلط در جامعه از موقعیت فرودست برخوردارند.

3- ریشه ستم بر زن قدیمی است و به دوران جاهلیت برمیگردد. اما بقا و دوام این ستمکشی در دنیای امروز دیگر تماماً محصول مناسبات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی همین امروز، یعنی نظام سرمایه داری است. سرمایه داری از نابرابری زن و مرد و تبعیض براساس جنسیت بعنوان یک عامل سیاسی و اقتصادی در خدمت سلطه سیاسی و تامین سودآوری سرمایه بهره برداری میکند.

4- جنبش حقوق زن در ایران جنبشی وسیع و غیر قابل انکار در هر محاسبه جدی سیاسی است. این جنبشی در تقابل با اسلام سیاسی و در کشمکش دائمی با حکومت اسلامی است. این جنبشی قائم بذات، یک جنبش مقاومت در مقابل

در بخش اول این مطلب تلاش کردیم رابطه مسئله زن را با جنبش‌های اصلی سیاسی و طبقاتی در جامعه ایران توضیح دهیم. اینکه جنبش ناسیونالیستی پرو غرب، نیروهای جنبش ملی اسلامی، از منظر استراتژیک در چه رابطه‌ای با جنبش برای آزادی زن قرار میگیرند و چگونه به این جنبش برخورد میکنند. در بخش دوم همین مطلب به مسئله آزادی زن از موضع فمینیستها پرداختیم و قرابت و نزدیکی جنبش موسوم به فمینیستی در ایران را با نیروها و چهارچوب‌های طبقاتی دارا و همینطور تمایزش را با آزادیخواهی کمونیستی و سوسیالیستی در رابطه با مسئله زن مختصراً اشاره کردیم. در این بخش به نگرش و سیاست کمونیسم کارگری به مسئله زن میپردازیم. میخواهیم نشان دهیم چرا آزادی زن در ایران چه در تلاش برای بهبود بلافصل و چه برای تغییرات ریشه‌ای و پایدار به کمونیسم کارگری گره خورده است و چرا جنبش زنان یک رکن اساسی تلاش سوسیالیستی برای آزادی جامعه است؟

چند فرض پایه‌ای

تبیین و سیاست کمونیسم کارگری در قبال مسئله زن به ترزا و مفروضاتی پایه‌ای متکی است که با مفروضات و تبیین‌های دیگر در قبال مسئله زن تفاوت اساسی دارد:

1- مسئله زن امری صرفاً فرهنگی نیست. امری صرفاً ناشی از جان سختی منش و روحیات و نگرش مردسالار به زن بعنوان یک انسان نیست. مسئله زن در کشورهایمانند ایران محصول عدم پیشرفت ساختارهای سیاسی و اداری، و یا عدم پیشرفت سرمایه داری و انتگره نشدن زنان در بازار کار نیست. اگرچه وجود این فاکتورها اینجا و آنجا ستمکشی زنان را تشدید میکند اما مسئله زن یک مسئله مهم اجتماعی و بویژه در نظام کنونی یک مسئله

تقابل با اسلام سیاسی یک جبهه مهم جنبش آزادی زن است!

جنبش‌های اجتماعی و مسئله آزادی زن

کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

قرار میدهد. کمونیسم کارگری با اصلاحات یک رابطه مادی و انسانی برقرار میکند. کمونیسم کارگری اساسا جنبشی برای اعاده حقوق و حرمت و آزادی و رفاه انسانهاست. کمونیسم کارگری در عین حال خود را محدود به تلاش برای تغییر قوانین و اصلاحات نمیکند و تلاش برای تحمیل اصلاحات را با افق و سیاست رفرمیستی یکی نمیداند. برای ما هر درجه تحمیل عقب نشینی به جمهوری اسلامی مهم است و این پشتوانه حضور قدرتمندتر زنان برای نفی اوضاع کنونی است.

برخی تمایزات تاکتیکی- استراتژیکی

اگر کمونیسم کارگری و جنبش آزادی زن خود را به اعتراض مادی و اجتماعی علیه تبعیض و نابرابری مکی میکند، و استراتژی این جنبش نفی فوری حکومت اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران است، لذا تاکتیک هایش تنها میتوانند تناسب و رابطه مستقیمی با هدف نهائی و استراتژیک داشته باشند. این رابطه استراتژی و تاکتیک در قلمرو سیاست خود را به اشکال مشخصی بیان میکند و تمایزات این جنبش را بروشنی در مقیاس جامعه نشان میدهد:

جریانات اصلاح طلب حکومتی میخواهند با رژیم زن ستیز اسلامی بسازند و آیت الله ها و آخوندهای ضد زن را بعنوان نماد "تغییر" به زنان بفروشند. جنبش آزادی زن در تقابل با این سیاست شرایط اولیه هر تغییری به نفع زنان را سرنگونی کل رژیم زن ستیز و نظم آپارتاید جنسی میداند. ما در مقابل نیروهای اصلاح آپارتاید بر لغو آپارتاید تاکید داریم.

جریانات راست سرنگونی طلب میخواهند رژیم اسلامی را طی کودتا و جنگ و بند و بست از بالا تغییر دهند. این جریان سرمایه داری را در بهترین حالت بدون آخوند میخواهد و مشخص تر جایگاه مذهب و خرافه در سیستم سیاسی و حکومتی شان قوی است. در مقابل این افق دست راستی که اساس دستگاه سرکوب و قوانین ضد زن و پایه های نابرابری سرمایه داری را احیا میکند، ما بر الغای نظم اسلامی، بر الغای قوانین اسلامی، بر الغای

صفحه 9

الگویی برای عروج قدرتمند سکولاریسم و سوسیالیسم در کشورهای خاورمیانه و دیگر کشورها تبدیل میشود. جنبش آزادی زن در ایران به این اعتبار یک فاکتور فرا ایرانی و در تقابل با اسلام سیاسی فاکتوری منطقه ای و جهانی است.

رابعاً، "سوسیالیسم"، برای کارگر و انسان مورد تبعیض یک کلیشه و یا یک شعار نیست. سوسیالیسم خود را در اعتراض به نابرابری، در تلاش روزمره برای رفع تبعیض، در تمایل و تلاش برای آزاد بودن معنی میکند. یک جنبش قدرتمند کمونیستی کارگری که پرچم آزادی جامعه را برافراشته است، جنبشی برای بسیج کل پتانسیل آزادیخواهی و برابری طلبی و تمایلات سکولاریستی و ضد مذهبی برای الغای آپارتاید جنسی و پائین کشیدن پرچم آنست. جنبش آزادی زن یک سنت سوسیالیستی بوده، پیشروی آن پیشروی سوسیالیستها بوده، و امروز بویژه در ایران و با وجود جنبش و اعتراض کمونیستی کارگری به اوضاع کنونی، جنبش برابری زن و مرد یک رکن اعتراض سوسیالیستی است.

و بالاخره، کمونیسم کارگری خود را در صف اول هر تلاش بزرگ و کوچک برای احقاق حقوق و تغییر قوانین و چهارچوبهای سیاسی به نفع زنان میداند. کمونیسم کارگری مبارزه روزمره و مستمر برای بهبود و ارتقای حق و حرمت زنان در چهارچوب همین نظام را در راستای تلاش برای نفی تبعیض و نابرابری بنیادی نظم کنونی میداند. برای ما هر ذره حرمت و حقوق زنان مهم است. هم حقوق زن فی نفسه برای ما مهم است و هم هر ذره پیشروی جنبش آزادی زن را در موقعیت بهتری برای فتح پله های بعدی

جامعه است، برخلاف دیگر گرایشات و سنتهای سیاسی به جنبش برای حقوق و آزادی زن برخوردی ابزاری و منفعت طلبانه اپورتونیستی ندارد. برخورد کمونیسم کارگری به مبارزه جاری زنان و مردان برای رفع تبعیض برخوردی اجتماعی و واقعی، با حضور فعال در این مبارزه است.

اولاً، کمونیسم کارگری مسئله تبعیض بر اساس جنسیت را در دنیای امروز محصول نیازهای اقتصادی سرمایه داری میداند که بازتاب آنرا میتوان در کلیه قلمروهای اقتصادی و سیاسی و قانونی و فرهنگی و در خانواده مشاهده کرد. لذا برای کمونیسم کارگری نفی آپارتاید جنسی به نفی نظامی گره میخورد که بانی و مسبب آنست: یعنی سرمایه داری.

ثانیاً، برای کمونیسم کارگری امر نفی تبعیض و نابرابری بلافاصله به نیروی اجتماعی ای گره میخورد که عملاً برای نفی این تبعیض و نابرابری بمیدان آمده است. لذا کمونیسم کارگری برخلاف دیگر جریانات اجتماعی که تلاش دارند اعتراض زنان را در چهارچوبهای حکومتی، قانونی- اسلامی، ناسیونالیستی- حقوق بشری، محدود و زندانی کنند، و به این اعتبار بنیان نابرابری را تداوم دهند، مسئله آزادی زن را بعنوان معیار آزادی جامعه یک رکن استراتژی سیاسی خود قرار میدهد. کمونیسم کارگری برای تغییر به نیروی اردوی آزادی و برابری در مقیاس جامعه مکی است و جنبش برای آزادی زن یک گرایش قدرتمند اجتماعی است که مهر خود را بر هر تحول سیاسی در ایران میکوبد.

ثالثاً، هر تحول انقلابی و توده ای و رادیکال در ایران بناچار رنگی "زنانه" دارد. یعنی زنان یک فاکتور مهم اجتماعی و درگیر تحولات آتی اند. باید تاکید کرد که "انقلاب زنانه" در ایران با افق نفی کامل تبعیض و نابرابری، به ایران محدود نخواهد شد و به

برابری کامل زن و مرد در قلمرو اقتصادی و اشتغال حرفه ای!

جنبش‌های اجتماعی و مسئله آزادی زن

کمونیسم کارگری و مسئله زن ...

رسمی آپارتاید جنسی و حجاب بعنوان پرچم آن، و بر نفی نظام مبتنی بر نابرابری تاکید داریم.

همه نیروهای دست راستی با مذهب سازش میکنند و بقای مذهب را در نظام آتی فرض میگیرند. نهایتاً این جریانات به سکولاریسمی نیم بند آنهم بخاطر نفرت مردم در ایران از اسلام متکی میشوند. در تقابل با این سیاست ارتجاعی و ضد زن، جنبش کمونیسم کارگری یک جریان ضد اسلامی است. جنبش آزادی زن تمایلات ضد مذهبی نسل جدید و نفرت مردم از قوانین و راه و رسمهای مذهبی را نمایندگی میکند. لذا این اردو برخلاف جریانات دست راستی، و حتی برخلاف چپهایی که تقابل با مذهب را به روشن شدن سرنوشت مبارزه طبقاتی گره میزنند، نیروئی مدرنیست و آوانگارد و ضد خرافه است.

نیروهای دست راستی با اسلام سیاسی بعنوان یک جنبش ارتجاعی درگیر نمیشوند و تلاش دارند به نقد "فاندمانتالیستها" و سازش با جناح "میانه رو" آن بنشینند. برای کمونیسم کارگری و جنبش آزادی زن، تقابل با اسلام سیاسی و شکست آن در ایران، یک شرط پیروزی افق سوسیالیستی در جامعه است. برای جنبش ما سکولاریسم امری حداقل و مربوط به نظام اداری و آموزشی است چرا که بدون سکولاریسم بحث از آزادی زن بی معنا است. اما کمونیسم کارگری تنها به سکولاریسم محدود نمیماند. بعنوان یک جنبش و جریان حزبی، بعنوان تشکلهای توده ای زنان، بعنوان نیروهای اجتماعی خواهان پیشرفت و ترقی، تقابل با فعال مایشانی مذهب و اسلام زدائی در جامعه یک هدف اساسی ماست.

و این لیست در مورد سوالات مشخص مانند برخورد به قوانین اسلامی، حجاب، نوع تشکل، سنت مبارزاتی، قوانین خانواده، برخورد به اصلاحات، مسائل فرهنگی و معضلات اجتماعی ناشی از تبعیض و

نابرابری طولانی است.

سرنگونی جمهوری اسلامی

زنان و مردان آزادیخواه بطور روزمره علیه نظام ضد زن اسلامی مبارزه میکنند. زندگی واقعی و تجارب و مشاهدات ساده اکثریتی عظیم در جامعه اثبات میکند که اولین راه و کوتاهترین و انسانی ترین راه برای ایجاد هر نوع تغییر ملموس و مادی که زنان بتوانند در مقیاس وسیع از آن برخوردار شوند، سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی از پائین بقدرت انقلابی مردم است. با سرنگونی جمهوری اسلامی در یک تحول انقلابی، نظم جمهوری اسلامی و کلیه قوانین منعبت از آن از جمله سیستم آپارتاید جنسی و حجاب لغو میشود. بلافاصله قوانین آلترناتیو که امر برابری زن و مرد را در کلیه اشکال و سطوح سیاسی، اقتصادی، قوانین کار و رفاه اجتماعی برسمیت میشناسد، بعنوان قوانین مسلط اعلام و مبارزه ای گسترده برای تثبیت و استقرار آنها آغاز میشود.

اینجا صف نیروهای دست راستی، مذهبی ها، مردسالارها، سرمایه داران و کلیه کسانی که این تغییرات را به ضرر خود میدانند در مقابل جنبش برای آزادی و برابری زن و مرد می ایستند. بدرجه ای که جنبش آزادی زن توانسته است نیروی زنان و مردان را حول پلاتفرم و راه حل سوسیالیستی جامعه بسیج کند، بدرجه ای که حزب نماینده و سخنگوی جنبش کمونیسم کارگری توانسته باشد افق انقلابی و کمونیستی خود را مسلط کند، گام برداشتن برای ایجاد تغییرات بنیادی به نفع امر برابری عموماً و برابری زن و مرد خصوصاً تسهیل میشود.

با سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی

و عروج زنان بعنوان یک بازیگر مهم تحولات ایران، تناسب قوای سیاسی نیروها در مقیاس منطقه ای دگرگون میشود. جریانات اسلامی در موضعی بشدت تدافعی قرار میگیرند و نیروهای سکولار و پیشرو و سوسیالیست امکان عمل واقعی پیدا میکنند. جریانات سکولار و ضد قوانین اسلامی که هم اکنون از مصر تا تونس و دیگر کشورها درگیر مبارزه با اسلام سیاسی پرو آمریکائی هستند، افق جدیدی پیدا میکنند و به سهم خود به نیروی قدرتمند کردن راه حل سوسیالیستی در کشورهای منطقه تبدیل خواهند شد.

چشم انداز پیروزی

جنبش آزادی زن در ایران همراه با کمونیسم کارگری میتواند نقشی دورانساز ایفا کند. نقطه قدرت این جنبش رادیکالیسم آنست. تقابل با اسلام سیاسی، تقابل با قوانین و راه و رسم های اسلامی، تقابل با اختناق و سرکوب، تقابل با تبعیض و نابرابری و استثمار، و تقابل آشتی ناپذیر با جمهوری اسلامی بعنوان مهمترین قدرت حکومتی جنبش اسلام سیاسی، به این جنبش هویت و خصلتی ویژه میدهد که جریانات متفرقه راست و جریانات سنتی چپ رادیکال از آن برخوردار نیستند.

با سقوط نظام آپارتاید اسلامی زنان از یوغ قوانین آپارتاید خلاص میشوند و زمینه برای برابری و اعاده حرمت و حقوق انسانی فراهم میشود. اما هنوز بعنوان زن، بعنوان کارگر، بعنوان شهروند، با حفظ چهارچوبهای اقتصادی و طبقاتی نظم کنونی نابرابر باقی میمانند و همین نابرابری بنیادی به اشکال دیگر نابرابری در قلمرو قوانین و خانواده و بازار کار و غیره را مجدداً رسمیت میدهد. اینجاست که پیروزی بر ارتجاع اسلامی باید به پیروزی بر نظام متکی بر تبعیض و نابرابری ارتقا یابد. در اینجا کمونیسم کارگری تنها نیروئی است که امکان و افق آزادی کامل و برابری بیقید و شرط زن و مرد را دارد و میتواند با اتکا به نیروی عظیم خواهان تغییر برای استقرار سوسیالیسم گام بردارد و یکبار برای همیشه بشریت را از جهالتی بنام زن ستیزی آزاد کند.*

زنده باد آزادی زن!